

مسئله نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه های جریان های نقدی آزاد

سیدحسین علوی طبری^۱، مژگان رباط میلی^۲، فرزانه یوسفی اصل^۳

چکیده: این پژوهش به تأثیر مسائل نمایندگی ناشی از جریان های نقدی آزاد شرکت ها بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل پرداخته است. به منظور بررسی ارتباط بین هزینه های نمایندگی ناشی از جریان های نقدی آزاد و حق الزحمه ی حسابرسی، شرکت های نمونه ی تحقیق بر حسب سطوح جریان های نقدی و فرصت های رشد به چهار گروه تقسیم شدند و سپس ارتباط بین سطح حق الزحمه ی حسابرسی گروه ها و متغیرهای آزمایشی هزینه ی نمایندگی مورد سنجش قرار گرفت. تعداد ۸۸ شرکت طی دوره ی زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ انتخاب و فرضیه های پژوهش با استفاده از رگرسیون تحلیل کوواریانس و به روش پنل آزمون گردید. نتایج تحقیق نشان می دهد که حق الزحمه ی حسابرسی در شرکت هایی که جریان های نقدی آزاد آن ها بالا و فرصت های رشد آن ها زیاد می باشد، بالاتر از شرکت هایی است که جریان های نقدی آزاد آن ها پایین اما فرصت های رشد بالایی دارند. به علاوه در شرکت هایی که جریان های نقدی آزاد و فرصت های رشد آن ها بالا باشد، با افزایش میزان بدهی ها میانگین حق الزحمه ی حسابرسی افزایش می یابد. اما بر طبق نتایج حاصل، افزایش میزان سود تقسیمی موجب کاهش مسئله ی نمایندگی ناشی از جریان های نقدی آزاد نمی شود.

واژه های کلیدی: حق الزحمه ی حسابرسی، فرضیه ی جریان نقد آزاد، فرصت های رشد، مسئله ی نمایندگی.

۱. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۰۱/۳۰

نویسنده مسئول مقاله: سیدحسین علوی طبری

E-mail: salavi@alzahra.ac.ir

مقدمه

در فرضیه مباشرت (نمایندگی) بیان شده است که در رابطه‌ی نمایندگی، نماینده ممکن است همواره در جستجوی تأمین منافع مالک به بهترین شکل نباشد چرا که منافع شخصی هر یک از طرفین به تابع مطلوبیت و میزان ثروت و رفاه آنان، بستگی دارد. اما بر اساس مفهوم انتظارات منطقی و عقلایی، افراد و گروه‌های مختلف، تمام اطلاعات موجود را به گونه‌ای هوشمندانه مورد استفاده قرار می‌دهند و لذا هیچ‌گاه به طور منظم و قاعده‌مند دچار خطا نمی‌شوند. بنابراین مالک مخارجی را متحمل می‌شود تا بر رفتار نماینده نظارت کند. مخارج تحمل شده از سوی مالک برای اعمال نظارت بر نماینده، موجب کاهش حقوق و مزایای مدیر می‌شود. توانمندی مالکان در کاهش حقوق و مزایای مدیر و ایجاد نوعی پوشش در برابر خطرات احتمالی سبب می‌شود تا نمایندگان از انگیزه‌ی لازم برای بهره‌گیری از خدمات حسابرسان مستقل و اجرای عملیات نظارتی برخوردار باشند. [۷]

حسابداری و حسابرسی بخش ضروری حاکمیت شرکتی در هر بنگاه اقتصادی می‌باشند و از چندین کانال مختلف، بر عملکرد اقتصادی شرکت تأثیر می‌گذارند:

۱. اطلاعات حسابداری دارای کیفیت مطلوب، مدیران و سرمایه‌گذاران را در تشخیص پروژه‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسب یاری می‌دهند و لذا منجر به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری و حداکثرسازی سود می‌شوند.
۲. اطلاعات حسابداری به عنوان مکانیسم کنترلی شرکت، در مورد احتمال تلاش مدیر برای انتقال منابع و ثروت از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان آگاهی داده و منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود.
۳. اطلاعات حسابداری با کاهش هزینه‌ی کژگزینی و ریسک نقدشوندگی عملکرد اقتصادی شرکت را بهبود می‌دهد. این کاهش هزینه ناشی از کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین دارندگان اطلاعات نهانی و تأمین‌کنندگان منابع مالی است که در خارج از شرکت قرار دارند.

جزء کلیدی اطلاعات مالی با کیفیت، گزارش حسابرسان است که توسط حسابرسان مستقل ارائه می‌گردد. حسابرسی، ارزیابی مستقلی را در مورد صحت، منصفانه بودن اطلاعات مالی و انطباق نتایج عملیات، وضعیت مالی و جریان‌های نقدی با استانداردهای پذیرفته شده حسابداری ارائه می‌کند؛ بنابراین موجب بهبود دقت اطلاعات مالی شده و عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌ی نمایندگی ناشی از تضاد منافع بین مدیران شرکت، سهامداران و اعتباردهندگان را کاهش

می‌دهد [۱۳]. در این راستا نتایج تحقیق سجادی و ابراهیمی مند حاکی از این موضوع است که از نظر حسابرسان مستقل، کمیته حسابرسی صاحبکار، اندازه و سابقه موسسه حسابرسی و اندازه شرکت صاحبکار به عنوان عوامل افزایش‌دهنده استقلال و رقابت در حرفه حسابرسی به عنوان عامل کاهنده استقلال حسابرسان هستند [۲].

اما باید توجه داشت حسابرسان نیز، خود درگیر مسئله‌ی نمایندگی خواهد بود، به این معنا که از دیدگاه حسابرسان، اطمینان منطقی از عدم وجود اشتباه یا تقلب با اهمیت در صورت‌های مالی با حداقل میزان تلاش قابل دستیابی است. داویس [۱۰] و همکارانش و نیز ویسنت و همکاران وی [۱۹] بیان می‌کنند که میزان تلاش حسابرسان با استفاده از حق الزحمه‌ی خدمات حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود و هر چه مسئله‌ی نمایندگی بزرگتر باشد، فعالیت بیشتری برای اطمینان در خصوص عدم وجود تقلب و یا اشتباه با اهمیت در صورت‌های مالی لازم است؛ بنابراین هزینه‌های حسابرسی بیشتر خواهد بود. لذا چنین فرض می‌شود که سطح حق الزحمه‌ی حسابرسی بیانگر درک حسابرسان از نیاز به کار بیشتر در شرایطی است که مسئله‌ی نمایندگی شدیدتر است [۱۳].

جنسن معتقد است؛ جریان‌های نقدی آزاد به دلیل ایجاد فرصت سوء استفاده برای مدیران، باعث تشدید مسئله‌ی نمایندگی می‌شود [۱۵]. پس انتظار می‌رود که ارتباط مثبتی بین میزان جریان‌های نقدی آزاد و ریسک حسابرسی وجود داشته باشد، چرا که وجود جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد^۱ کم، مدیریت را تشویق می‌کند تا این مبالغ را در پروژه‌های نامناسب سرمایه‌گذاری کند و چنین اقدامی را با دست‌کاری صورت‌های مالی، پنهان سازد. از طرفی شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد زیاد و فرصت‌های رشد بالا، در مقایسه با شرکت‌هایی که دارای فرصت‌های رشد بالا اما کمبود نقدینگی هستند، کمتر اقدام به انتشار اوراق بهادار نموده و کمتر مورد بررسی بازار قرار می‌گیرند، به نظر می‌رسد در این شرکت‌ها، تمایل به تأمین مالی از طریق بدهی نیز اندک باشد تا نظارت اعتباردهندگان و بررسی‌های حسابرسان کاهش یابد. [۱۲]

ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش

تحقیقات خارجی

بر مبنای مدل ریسک حسابرسی، ریسک حسابرسی تابعی از سه جزء است:

- ریسک ذاتی (احتمال این که فاکتورهای محیطی بدون توجه به ساختار کنترل های داخلی منجر به ایجاد اشتباه با اهمیت شوند).
 - ریسک کنترل (احتمال این که سیستم کنترل داخلی قادر به پیشگیری و یا کشف اشتباهات با اهمیت نباشد).
 - ریسک عدم کشف (احتمال عدم کشف یک اشتباه با اهمیت توسط رویه های حسابداری که ساختار کنترل های داخلی قادر به کشف آن نبوده است).
- به شرط ثابت بودن سایر متغیرها، افزایش سطح ریسک ذاتی موجب افزایش تلاش حسابرس برای کاهش خطر عدم کشف به منظور دستیابی به سطح معینی از ریسک حسابداری خواهد بود. با توجه به مساله تضاد منافع بین مالکیت و مدیریت، اقلام تعهدی ارایه شده در صورتهای مالی می تواند به وسیله مدیران دستکاری شده و قابلیت اتکاء آنها زیر سؤال رود. [۶]

ژول و همکارانش (۲۰۰۳)، اعتقاد دارند که به دو دلیل انتظار می رود بین بزرگی اقلام تعهدی و ریسک ذاتی حسابداری ارتباط مثبتی وجود داشته باشد: اولاً: در صورت فرصت طلبی مدیران، اقلام تعهدی اختیاری ابرازی خواهد بود که مدیریت به وسیله آن سود را به نفع خود دستکاری خواهد نمود. دوماً: حسابرسان به دلیل وابستگی اقلام تعهدی به اقلام پرسیکی چون حساب های دریافتی و موجودی ها، توجه زیادی به این اقلام دارند.

بنابراین آنها فرض کردند ماهیت قضاوتی اقلام تعهدی باعث افزایش ریسک حسابداری و در نتیجه تلاش بیشتر حسابرس و در نهایت حق الزحمه ی بیشتر حسابداری می شود. نتایج این پژوهش نیز تأیید کرد که ارتباط مثبتی بین بزرگی اقلام تعهدی و حق الزحمه ی حسابرس وجود دارد [۱۱]. نونهال نهر و همکارانش، با توجه به رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکاء اقلام تعهدی دریافتند؛ موسسات حسابداری بزرگتر و همچنین موسساتی که نام تجاری مشهورتری دارند؛ دارای کیفیت بالاتری هستند. از سوی دیگر موسسه حسابداری با کیفیت تر باعث افزایش قابلیت اتکاء اقلام تعهدی می شود. [۵] بر اساس یافته این پژوهش این تصور شکل می گیرد که موسسات حسابداری مشهورتر عموماً دارای نرخ حق الزحمه بالاتری نسبت به سایر مؤسسه ها داشته باشند.

جاگی و ژول [۱۴]، چانگ و همکارانش [۹] (۲۰۰۵)، نشان دادند که افزایش ریسک حسابداری و افزایش تلاش ها در نتیجه ی چنین ریسکی موجب افزایش دستمزد حسابداری می شود.

جنسن (۱۹۶۸)، بیان کرد که جریان‌های نقدی آزاد^۱ به دلیل افزایش احتمال سرمایه‌گذاری‌های نامناسب و مخرب باعث ایجاد مسائل نمایندگی می‌شوند. او همچنین عنوان نمود که تضاد منافع بین سهامداران و مدیران شرکت‌هایی که دارای جریان‌های نقدی آزاد بالاتر و فرصت‌های رشد محدود هستند، شدیدتر خواهد بود [۱۵]. متعاقب نظر ایشان تحقیقات بسیاری در مورد تأثیر جریان‌های نقدی آزاد در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تامین مالی انجام شدند. از جمله این تحقیقات می‌توان به تحقیق شین و استالز، تحقیق هارفورد و نیز تحقیق اپلر و همکارانش اشاره کرد. اغلب این تحقیقات از فرضیات جنسن حمایت کرده و تایید کردند که مسئله‌ی پرهزینه‌ی نمایندگی در شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی زیاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری ضعیف اتفاق می‌افتد. [۱۲]

تسیو و ژول (۱۹۹۸)، [۱۷] و نیز تسیو و همکارانش (۲۰۰۱)، [۱۸]، فرضیه‌ی جنسن را در چارچوب حسابرسی ارزیابی کردند و به بررسی این موضوع پرداختند که آیا مسئله‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد موجب تغییر سطح ریسک حسابرسی و میزان تلاش حسابرسی که در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی انعکاس یافته، خواهد شد. آن‌ها چنین استدلال کردند که مدیران در شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد زیاد و فرصت‌های رشد پایین در پروژه‌هایی که فاقد ارزش مثبت هستند، سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ آنگاه با ارائه‌ی نادرست صورت‌های مالی تلاش می‌کنند تا رفتار غیر بهینه‌ی خود را پنهان کنند. حسابرسان نیز در ارزیابی ریسک حسابرسی، این رفتار مدیران را مدنظر قرار داده و حسابرسی را مستلزم صرف زمان و تلاش بیشتری می‌دانند؛ در نتیجه حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالاتری را مطالبه می‌کنند. این محققان با آزمون شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد زیاد و فرصت‌های رشد پایین، ارتباط مثبت قابل ملاحظه‌ای را بین مسئله‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مشاهده نمودند. البته این محققان دریافتند که بدهی، این ارتباط را تحت تأثیر قرار می‌دهد به طوری که در شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد بالا و فرصت‌های رشد پایین و سطح بدهی بالا (گروه کنترل این تحقیق) ارتباط مثبتی بین مسئله‌ی نمایندگی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی وجود ندارد.

گریفین و همکارانش (۲۰۱۰)، به بررسی ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد، فرصت‌های رشد با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پرداختند و دریافتند؛ جریان‌های نقدی و فرصت‌های رشد، ریسک ذاتی حسابرسی و تلاش حسابرسان برای دستیابی به سطح معقول ریسک حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین این محققان استدلال کردند که وجود میزان بهینه‌ی بدهی، تقسیم سود بالا و همچنین بازخرید سهام شرکت، باعث کاهش جریان‌های نقدی آزاد در دسترس و بنابراین

کاهش مسئله‌ی نمایندگی و میزان حق‌الزحمه‌ی درخواستی حسابرس می‌شود. نتایج این تحقیق نشان داد که حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد بالا با فرصت‌های رشد زیاد و نیز در شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد بالا با فرصت‌های رشد پایین نسبت به شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد کم دارای فرصت‌های رشد بالا و پایین به صورت قابل ملاحظه‌ای بیشتر است و چنین حق‌الزحمه‌ی بالایی عمدتاً با تلاش حسابرس مرتبط است و به ریسک حسابرسی ارتباطی ندارد. همچنین نتایج این تحقیق عنوان نمود که با افزایش سطح بدهی در شرکت‌هایی که دارای جریان‌های نقدی آزاد زیادی هستند، میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرس کاهش می‌یابد. اما نتایج این تحقیق شواهدی مبنی بر تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در نتیجه‌ی رابطه‌ی بین جریان‌های نقدی در دسترس و تقسیم سود و نیز بازپرداخت سهام ارائه نکرد [۱۲].

تحقیقات داخلی

علوی‌طبری (۱۳۸۲)، رابطه‌ی بین منابع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل را بررسی نمود. بر طبق این تحقیق، دو حوزه‌ی عملیات بنگاه‌های اقتصادی که نیازمند استفاده از خدمات حسابرسی می‌باشند، حسابرسی مستقل و حسابرسی داخلی هستند. در این پژوهش استدلال شد که وسعت آزمون‌های حسابرسی مستقل، برای جمع‌آوری شواهد کافی که بر اساس استانداردهای حسابرسی تعیین می‌شود با میزان اتکا بر دامنه‌ی کنترل داخلی نسبت عکس دارد. بر طبق نتایج این تحقیق، مدلی در مورد عوامل تعیین‌کننده‌ی مخارج حسابرسی مستقل ارائه گردید که بیانگر اثرگذاری پیچیدگی مالی بنگاه اقتصادی، جمع‌داری‌ها، تعداد صنایعی که بنگاه در آن فعالیت دارد و عملیات خارجی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی است. همچنین شواهد تجربی این پژوهش نشان می‌دهد که بین مخارج حسابرسی مستقل و حسابرسی داخلی ارتباط معناداری وجود دارد. [۴]

رجبی و خشوئی (۱۳۸۷)، تأثیر هزینه‌های نمایندگی را بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش عنوان شده است که وجود رابطه‌ی نمایندگی منجر به بروز تضاد منافع می‌گردد، که این امر به نوبه‌ی خود منجر به بروز هزینه‌های نمایندگی می‌شود. مدیر جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی اقدام به ارائه اطلاعات حسابرسی شده می‌نماید. استفاده از خدمات حسابرسی مستقل، مستلزم پرداخت حق‌الزحمه‌ی حسابرس است که طبق بررسی‌های به عمل آمده، عوامل توصیفی مؤثر بر حق‌الزحمه‌ی حسابرس عبارتند از ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد تجاری. از لحاظ نظری هزینه‌های نمایندگی می‌توانند با افزایش ریسک، حجم و

پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی موجب افزایش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شوند. [۲]. تفاوت تحقیق حاضر با تحقیق رجبی و خشوئی استفاده از جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد به عنوان عوامل ایجادکننده‌ی هزینه‌های نمایندگی است که ریسک حسابرسی و تلاش حسابرس و بنابراین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر این در این پژوهش کوشش شده است تا تأثیر بدهی و افزایش سود نقدی به عنوان متغیرهای کاهش دهنده‌ی جریان نقدی آزاد در کنترل هزینه‌های نمایندگی و در نتیجه کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بررسی شود.

فرضیه‌های پژوهش

انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که دارای جریان‌های نقدی آزاد بالا/ فرصت‌های رشد پایین هستند، حسابرسان به دلیل ریسک بالاتر حسابرسی و نیاز به انجام کار بیشتر به منظور شناسایی فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده‌ای که توسط مدیر انجام گرفته و در صورت‌های مالی گنجانده شده‌اند، حق‌الزحمه‌ی بالاتری را مطالبه کنند.

همچنین انتظار می‌رود؛ حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد زیاد/فرصت‌های رشد بالا نیز به دلیل دشواری و پیچیدگی حسابرسی، بیشتر باشد. در این شرکت‌ها نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها بزرگ است؛ بنابراین ارزش‌داری‌های نامشهود که تشخیص، اندازه‌گیری و حسابرسی آنها دشوار می‌باشد، قابل توجه است. البته لازم به ذکر است که این شرکت‌ها نیز از دستکاری صورت‌های مالی مصون نیستند و همانطور که تسیو و همکارانش [۱۵] بیان کردند؛ در شرکت‌های با رشد بالا که امکان مشاهده فعالیت‌های مدیر وجود ندارد، بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه بیشتر و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالاتر خواهد بود.

H_1 : حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد بالاتر و فرصت‌های رشد اندک و نیز در شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد بالا و فرصت‌های رشد زیاد نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر خواهد بود.

همچنین شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد زیاد و فرصت‌های رشد بالاتر تمایل به سطوح پایین‌تر بدهی دارند [۸]. جنسن عنوان کرد که وجود بدهی تا یک سطح بهینه، از طریق کاهش میزان وجه نقد در دسترس برای مصارف اختیاری باعث کاهش مسئله‌ی نمایندگی حاصل از جریان‌های نقدی آزاد می‌شود. لذا افزایش بدهی باعث ایجاد مکانیسمی می‌شود که نظارت حسابرس را بر جریان‌های نقدی آزاد کاهش داده و منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی خواهد

شد [۱۶]. میزان تلاش حسابرسان به دلیل فقدان نظارت بالقوه‌ی بستانکاران بر شرکت، افزایش می‌یابد. از طرفی باید توجه داشت با افزایش میزان بدهی و عبور آن از سطح بهینه، ممکن است مدیریت به عدم ارائه‌ی صحیح صورت‌های مالی تشویق شود تا بدین وسیله از تخطی قراردادهای بدهی مبتنی بر ارقام حسابداری پیشگیری نماید، بنابراین تعیین اثر بدهی اضافی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی دشوار است. اما ژول و همکارانش [۱۱] عنوان نموده‌اند که شرکت‌هایی که دارای جریان‌های نقدی آزاد بالا و بدهی زیاد هستند، با توجه به وجود جریان‌های نقدی آزاد بالا که احتمال نقض قراردادهای بدهی را کاهش می‌دهد، ریسک کمتری دارند. با توجه به مطالب پیش گفته، فرضیه‌ی دوم تحقیق به شرح ذیل عنوان می‌گردد:

H_7 : حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد زیاد/ فرصت‌های رشد بالاتر که دارای سطوح پایین بدهی می‌باشند نسبت به شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد زیاد/ فرصت‌های رشد بالاتر و سطوح بالاتر بدهی، بیشتر است.

در شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد بالا، افزایش تقسیم سود می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با خالص ارزش منفی شود [۱۵]. به این ترتیب مکانیزم تقسیم سود مانند بدهی است. بهرحال سود نقدی نسبت به بدهی از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است و امکان کاهش تقسیم سود در دوره‌های آتی نیز وجود دارد، گرچه سهامداران چنین کاهشی را اغلب به عنوان علامت اخبار بد تلقی خواهند نمود. بهرحال اگر توزیع سطح معینی از سود، دسترسی مدیریت به جریان‌های نقدی را محدود سازد و مانع از سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی شود، حسابرسان در مقابل کاهش مسئله‌ی نمایندگی با کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی واکنش نشان می‌دهند. پس فرضیه‌ی سوم به شرح ذیل قابل بیان است: البته می‌توان بیان نمود که هزینه بدهی نشان‌دهنده فشار و ضعف مالی، نماینده بدهی و تضاد نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان یا بین گروه‌های مختلف سرمایه‌گذاران است.

پس فرضیه‌ی سوم به شرح ذیل قابل بیان است:

H_8 : حق‌الزحمه‌ی حسابرسی برای شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد زیاد/ فرصت‌های رشد بالا و تقسیم سود اندک نسبت به شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد زیاد/ فرصت‌های رشد بالا و تقسیم سود بیشتر، بزرگتر خواهد بود.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی، از نوع همبستگی و رگرسیونی است. روش‌شناسی از نوع پس‌رویدادی است، یعنی پژوهش براساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. روش‌شناسی تحقیق به شرح زیر است:

تجزیه و تحلیل تک متغیره^۱

در تجزیه و تحلیل تک متغیره، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌های موجود در نمونه‌ی پژوهش، در زیر مجموعه‌هایی از نمونه که بر مبنای جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد ایجاد شده‌اند، مقایسه می‌گردد. برای تعیین این زیر مجموعه‌ها، اقداماتی به شرح ذیل انجام شده است:

۱. ابتدا با استفاده از شاخص مرکزی میانه^۲ شرکت‌های نمونه در هر سال طی دوره‌ی تحقیق به دو دسته شرکت‌های دارای رشد پایین و رشد بالا طبقه‌بندی شدند.
۲. به صورت مشابه، بر حسب شاخص میان‌ه‌ی جریان‌های نقدی آزاد در هر سال، شرکت‌ها به دو دسته شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد کم و زیاد دسته‌بندی شدند.
۳. به این ترتیب با طی مراحل (۱) و (۲)، چهار زیرمجموعه از نمونه‌ی پژوهش به شرح زیر تشکیل شد:

- FG_1 : شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد کم و فرصت‌های رشد پایین.
- FG_2 : شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد کم و فرصت‌های رشد بالا.
- FG_3 : شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد زیاد و فرصت‌های رشد پایین.
- FG_4 : شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد زیاد و فرصت‌های رشد بالا.

این فرآیند سه مرحله‌ای برای هر سال تکرار می‌شود و سپس چهار گروه فوق‌طی هشت سال مورد بررسی با هم ترکیب می‌شوند.

تجزیه و تحلیل چند متغیره

برای آزمون فرضیه‌ی اول، با توجه به گروه‌های تشکیل شده چهار متغیر FG_1 ، FG_2 ، FG_3 ، FG_4 با استفاده از متغیر مصنوعی صفر و یک تعریف می‌شود. به این ترتیب، متغیر FG_1 شامل شرکت‌هایی است که دارای جریان‌های نقدی آزاد کم و فرصت‌های رشد پایین باشند، برای احتساب این متغیر در پژوهش به شرکت‌هایی که دارای این ویژگی باشند عدد یک در غیر این صورت صفر نسبت داده می‌شود. این روش در مورد سه متغیر دیگر نیز تکرار می‌شود.

1. Univariate Analysis
2. Median

روش‌های آماری پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ی اول در روش چند متغیره از مدل رگرسیونی ذیل استفاده می‌شود:

$$LAF = \beta_0 + \beta_1 SIZE + \beta_2 DA + \beta_3 QUICK + \beta_4 LOSS + \beta_5 FISCAL + \beta_6 MANU + \beta_7 UTILITY + \beta_8 DIVIDEND + \beta_9 FG + \varepsilon$$

طبق فرضیه‌ی اول، میانگین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد بالا، پس از کنترل سایر عوامل تعیین‌کننده‌ی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، بالاتر خواهد بود. بنابراین انتظار می‌رود، در شرکت‌هایی که در گروه FG_3 و FG_4 قرار دارند، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بیشتر از شرکت‌هایی باشد که در FG_1 و FG_2 طبقه‌بندی شده‌اند. برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم به مدل قبل، یک متغیر کنترلی، افزوده خواهد شد. اگر عامل کنترلی (بدهی و سود تقسیمی) منجر به کاهش مسئله‌ی نمایندگی شود، ما مشاهده خواهیم کرد که ضریب β_{10} در تراکنش‌های $DA^* FG$ و $DIVIDEND^* FG$ منفی خواهد بود. بنابراین مدل مورد استفاده در آزمون فرضیات ۲ و ۳ به صورت ذیل است:

$$LAF = \beta_0 + \beta_1 SIZE + \beta_2 DA + \beta_3 QUICK + \beta_4 LOSS + \beta_5 FISCAL + \beta_6 MANU + \beta_7 UTILITY + \beta_8 DIVIDEND + \beta_9 FG^* + \beta_{10} FG^* CNTR + \varepsilon$$

متغیرهای مورد استفاده در دو مدل فوق به شرح ذیل تعریف می‌گردند:

متغیر وابسته

حق‌الزحمه‌ی حسابرسی^۱

این متغیر به عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق و دو مدل فوق مدنظر قرار می‌گیرد و مشابه با اغلب تحقیقات مرتبط با سنجش عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه‌ی پرداخت شده توسط شرکت بابت خدمات حسابرسی مستقل در طی سال برای پژوهش استفاده شده است. اطلاعات مرتبط با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و از بخش هزینه‌های عمومی و اداری شرکت‌ها اقتباس شده است.

1. Natural log of total audit fees for fiscal year (LAF)

متغیرهای آزمایشی^۱

جریان نقدی آزاد^۲

در این تحقیق جریان‌های نقدی آزاد با استفاده از سود عملیاتی قبل از استهلاک منهای هزینه‌ی مالیات، هزینه‌ی بهره و سود سهام پرداختی به سهامداران عادی که با تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها، مقیاس‌زدایی شده، محاسبه و مورد استفاده قرار گرفته است.

فرصت‌های رشد^۳

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌های به عنوان شاخص فرصت‌های رشد در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. تحقیقات پیشین از جمله تحقیق آدام و گویال نشان داده‌اند که در میان شاخص‌های مورد استفاده، این شاخص دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری است و کمتر تحت تأثیر سایر متغیرها قرار می‌گیرد [۱۲]. برای محاسبه‌ی این نسبت، ارزش بازار سهام در تاریخ اولین اعلان سود پیش‌بینی شده در هر سال با ارزش بازار بدهی‌ها در پایان سال جمع شده و بر ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال تقسیم شده است. لازم به یادآوری است که شرکت‌های مشمول در جامعه‌ی تحقیق دارای سال‌های مالی متفاوتی می‌باشند، اما در کل و با توجه به کثرت شرکت‌های دارای سال مالی منتهی به اسفند، آذر و شهریور و با توجه به الزامات سازمان بورس در خصوص افشای اولین سود پیش‌بینی شده یک ماه قبل از آغاز سال مالی، عمدتاً تاریخ اولین پیش‌بینی سود برای هر یک از شرکت‌های یاد شده به ترتیب عبارتست از تاریخ‌های ۱۱/۳۰، ۵/۳۱ و ۸/۳۰ در سال مالی قبل از سال مورد بررسی. در صورت عدم وجود پیش‌بینی سود در تاریخ‌های یاد شده از نخستین پیش‌بینی سود شرکت در طی سال مالی مورد بررسی استفاده شده است. همچنین، به دلیل عدم دسترسی به معیار ارزش بازار بدهی‌ها از ارزش دفتری این اقلام در تاریخ ترازنامه استفاده شده است.

سود نقدی: مانند تحقیقات گریفین و همکاران، در این پژوهش، شاخص سود تقسیمی عبارتست از سود نقدی سهام اعلان شده بر ارزش بازار سهام شرکت در پایان سال.

متغیرهای کنترلی

بر مبنای نتایج حاصل از تحقیقات پیشین از چند متغیر به منظور کنترل عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در مدل پژوهش استفاده شده، که عبارتند از:

1. Experimental Variables
2. Free Cash Flow (FCF)
3. Growth

- اندازه‌ی شرکت صاحبکار^۱: عبارت است از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت
- نسبت آنی^۲: عبارت است از مجموع دارایی‌های جاری منهای موجودی کالا و پیش‌پرداخت-ها تقسیم بر بدهی‌های جاری
- نسبت بدهی به دارایی‌ها^۳: عبارت است از مجموع کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های شرکت
- زیان‌ده بودن شرکت صاحبکار^۴: برای اندازه‌گیری این متغیر، از متغیر مصنوعی استفاده شده است. بدین صورت که طی دوره تحقیق چنانچه در هر سال اگر شرکت صاحبکار زیان‌ده باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک منظور شده است.
- متغیرهای نسبت آنی، نسبت بدهی به دارایی‌ها و زیان‌ده بودن شرکت صاحبکار برای کنترل ریسک حسابداری در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
- پایان سال مالی^۵: برای ورود این متغیر در مدل پژوهش از متغیر مصنوعی استفاده شده به این صورت که اگر سال مالی مشتریان صاحبکار منطبق بر ۲۹ اسفند هر سال باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختیار خواهد شد.
- نوع صنعت: صرف‌نظر از نوع طبقه‌بندی شرکت‌ها در هر صنعت مطابق سیستم شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در این پژوهش کلیه شرکت‌های نمونه به دو دسته تولیدی و غیر تولیدی تفکیک و از متغیرهای مصنوعی صفر و یک به ترتیب برای شرکت‌های تولیدی و غیر تولیدی استفاده شد. به این ترتیب شرکت‌های تولیدی با متغیر MANU و شرکت‌های غیر تولیدی با نماد UTILITY در مدل رگرسیون مورد آزمون وارد شد.

روش گردآوری داده‌ها

به دلیل آنکه روش انجام این پژوهش به صورت میدانی بوده و با داده‌های واقعی شرکت‌ها در ارتباط است، اطلاعات از منابع مختلفی از جمله صورت‌های مالی، لوح‌های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار، نرم‌افزار تدبیر پرداز و ره‌آوردنویین گردآوری شده‌اند. برای پردازش اطلاعات از نرم‌افزار Excel و Spss استفاده شده است.

1. Size
2. Quick
3. DA
4. Loss
5. Fiscal

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ است. برای تعیین نمونه‌ی مورد مطالعه، شرکت‌هایی از جامعه‌ی آماری یاد شده انتخاب شده‌اند که: ۱- پیش از سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. ۲- داده‌های مورد نیاز تحقیق در هر سال در دسترس باشد. با وجود این محدودیت‌ها و بر اساس اطلاعات موجود ۸۸ شرکت به عنوان نمونه‌ی این پژوهش انتخاب شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول شماره ۱ آمار توصیفی مورد استفاده در مدل‌های مورد آزمون در این پژوهش ارائه شده است. میانگین، میانه، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر میزان مشاهدات به شرح زیر گزارش می‌شود. با مقایسه میانگین و میانه استنباط می‌شود که این دو شاخص انحراف چندانی نسبت به هم نداشته و توزیع مشاهدات این متغیر یکنواخت است. در بین متغیرهای کنترلی به استثنای اندازه، نسبت بدهی به دارایی و نسبت آنی، متغیر ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال دارای توزیع غیر یکنواخت بوده و انحراف میانگین از میانه با اهمیت است. البته در هنگام آزمون فرضیات تلاش شده است تا مشاهدات غیر نرمال حذف شود.

جدول ۱. آمار توصیفی داده‌ها

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
متغیر وابسته	۲.۳۱۸۳	۲.۲۹	۰.۲۳۲۱۸	۱.۴	۳.۸۶
متغیرهای کنترلی					
ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال	۹۳۸,۸۸۱	۲۰۷,۵۸۵	۲,۹۶۷,۶۹۱	۱۱,۱۴۷	۳۵,۹۷۴,۱۱۰
اندازه	۵.۴۱۸۴	۵.۳۱۷۲	۰.۶۱۰۲۶	۴.۰۵	۷.۵۶
نسبت بدهی به دارایی	۰.۶۳۱	۰.۶۵۱۲	۰.۲۳۰۳	۰	۱.۹۱
نسبت آنی	۲.۶۶۹۹	۰.۶۸	۲۹.۴۶	-۷.۳۱	۵۵۲.۷۶
متغیرهای کنترلی	زیان ده بودن صاحبکار	سال مالی	تولیدی	غیر تولیدی	سود نقدی
میانگین	۰.۹۰۹۱	۰.۶۸۸۵	۰.۸۷۵	۰.۱۲۵	۰.۱۰۵۲
متغیرهای آزمایشی	FG ₁	FG ₂	FG ₃		
میانگین	۰.۳۳۸	۰.۳۲۹	۰.۴۸۱		

آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره ۲، نتایج تجزیه و تحلیل تک متغیره را نشان می‌دهد که در آن، نمونه برحسب جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد به چهار زیرگروه تقسیم شده است. در این تجزیه و تحلیل، مقایسه‌ی میانگین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در گروه‌ها، بر حسب آزمون t انجام شده است. برای شرکت‌هایی که سطح جریان نقدی آزاد آن‌ها پایین و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد و نیز برای شرکت‌هایی که سطح جریان نقدی آزاد آن‌ها بالا و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد بود، میانگین لگاریتم حق‌الزحمه‌ی حسابرسی آن‌ها به ترتیب ۲.۲۸ و ۲.۳۴ است.

آزمون t نشان می‌دهد که میانگین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی برای شرکت‌هایی که سطح جریان نقدی آزاد آن‌ها بالا و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد است، به صورت معناداری بزرگتر از شرکت‌هایی است که سطح جریان نقدی آزاد آن‌ها پایین و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از نظر حسابرسان، شرکت‌هایی که سطح جریان نقدی آزاد آن‌ها بالا و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد باشد، پر ریسک‌تر هستند و یا رسیدگی به آن‌ها به دلیل پیچیدگی‌های کار، مستلزم تلاش بیشتری است.

در جدول شماره ۲، تفاوت لگاریتم حق‌الزحمه‌ی حسابرسی برای شرکت‌هایی که فرصت رشد در آن‌ها اندک اما سطح جریان‌های نقدی آن‌ها متفاوت است، نیز آزمون شده است. در شرکت‌هایی که سطح جریان نقدی آزاد آن‌ها بالا و فرصت‌های رشد آن‌ها پایین است، لگاریتم حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ۲.۳۰ و کمتر از لگاریتم حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، به میزان ۲.۳۲ در شرکت‌هایی است که سطح جریان نقدی آزاد آن‌ها کم و فرصت‌های رشد آن‌ها پایین است، گرچه از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست.

به طور کلی این شواهد تا حدی نظر جنسن را تأیید کرده و بیان می‌کنند که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد زیاد و فرصت رشد بیشتر، بالاتر است. در آزمون کلی که نمونه‌ی تحقیق مورد آزمون بر حسب جریان‌های نقدی آزاد و بدون مدنظر قرار دادن فرصت‌های رشد به دو دسته‌ی بالا و پایین تقسیم شده‌اند، تفاوت معناداری در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی دو گروه مشاهده نگردید، این نتیجه در جدول شماره ۲ نمایش یافته است.

جدول ۲. نتایج تجزیه و تحلیل تک متغیره حق‌الزحمه‌ی حسابرسی

سطح معناداری	آماره	رشد پایین		تفاوت میانگین	شرح
		جریان‌های نقدی آزاد پایین	جریان‌های نقدی آزاد بالا		
۰.۵۴۹	۰.۶	۲.۲۲	۲.۳۰	۰.۰۲	میانگین لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی
		۲.۲۶	۲.۲۷	۰.۰۱	میانه لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی
		۱۱۳	۲۳۸	-	تعداد مشاهدات
سطح معناداری	آماره	رشد بالا		تفاوت میانگین	شرح
		جریان‌های نقدی آزاد پایین	جریان‌های نقدی آزاد بالا		
۰.۰۶۴*	-۱۸۵۷	۲.۲۸	۲.۳۴	۰.۰۶	میانگین لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی
		۲.۲۶	۲.۳۴	۰.۰۸	میانه لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی
		۱۱۶	۲۳۷	-	تعداد مشاهدات
سطح معناداری	آماره	رشد بالا - رشد پایین		تفاوت میانگین	شرح
		جریان‌های نقدی آزاد پایین	جریان‌های نقدی آزاد بالا		
۰.۹۴۱	۰.۰۰۶	۲.۳۰۹	۲.۳۲۸	۰.۰۱۹	میانگین لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی
		۲.۲۵۹	۲.۳۳۸	۰.۰۷۹	میانه لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی
		۳۵۴	۳۵۰	-	تعداد

* معنادر در سطح اطمینان بیش از ۹۰٪

در این تجزیه و تحلیل سایر عوامل تعیین‌کننده‌ی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مدنظر قرار نگرفته‌اند، تجزیه و تحلیل تک متغیره‌ی سایر متغیرهای یاد شده در مدل ۱ در جدول شماره‌ی ۳ ارائه شده است. این متغیرها عبارتند از اندازه‌ی بنگاه اقتصادی صاحبکار، میزان بدهی صاحبکار، نقدینگی بنگاه اقتصادی صاحبکار (نسبت سریع)، زیان‌ده بودن شرکت صاحبکار، سال مالی و نیز نوع صنعت و میزان سود تقسیمی که به صورت جداگانه با لگاریتم حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مورد بررسی گرفته‌اند و در هر مورد، مدلی برازش شده است.

جدول ۳ نتایج تجزیه و تحلیل تک متغیره سایر متغیرها

متغیرهای مستقل	ضرایب	اشاره ۴	سطح معناداری اشاره	تحلیل واریانس	توان تبیین R ²	استقلال خطاها
متغیرهای مستقل						
۱ مدل	۱۰۰۹۸		۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۷۰۰۳۰	۱۹۵٪	۱۵۸۹
ضرب ثابت	۰۰۲۴۹	۱۳۰۰۵۵	۰۰۰۰۰۰۰۰			
اندازه‌ی شرکت						
۲ مدل	۲۳۳۵	۶۱۵۵۶	۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۶۲۴	۰۰۷٪	۱۵
ضرب ثابت	۰۰۱۱۷	۲۱۵۰	۰۰۰۰۰۰۰۰			
نسبت بدهی به دارایی‌ها						
۳ مدل	۲۳۳۱	-۱۸۴۹۶۴	۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۸۰۴	۰۰۵٪	۱۵
ضرب ثابت	۰۰۰۰۰	-۱۹۵۰	۰۰۰۰۰۰۰۰			
نسبت آبی						
۴ مدل	۲۳۳۸	۵۶۰۲۳	۰۰۰۰۰۰۰۰	۰۰۵۷	۰۰۰۰۰	۱۵
ضرب ثابت	-۰۰۰۰۱	-۰۰۳۳۸	۰۰۸۱۲			
رژانه بده بون شرکت						
۵ مدل	۲۳۰۰	۱۰۰۰۹۱۳	۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۳۰۱۶	۵۸٪	۱۵
ضرب ثابت	۰۰۱۷۳	۶۵۶۵	۰۰۰۰۰۰۰۰			
سال مالی						
متغیرهای مستقل						
۶ مدل	۲۱۱۳	۶۱۳۳۶	۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۶۳۱	۵۵٪	۱۵
ضرب ثابت	۰۰۳۳۵	۶۰۳۳۷	۰۰۰۰۰۰۰۰			
تولیدی بون صنعت صاحبکار						
۷ مدل	۲۳۳۸	۱۸۰۲۹۲	۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۶۳۱	۵۵٪	۱۵
ضرب ثابت	-۰۰۱۳۵	-۶۰۳۳۷	۰۰۰۰۰۰۰۰			
خدمتی بون صنعت صاحبکار						
۸ مدل	۲۳۳۸	۱۳۶۱۶۶	۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۱۹۴	۲۵٪	۱۵۰۸
ضرب ثابت	۰۰۳۱۵	۴۲۶۵	۰۰۰۰۰۰۰۰			
سود نقدی						

*** مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۹٪

** مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪

* مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۰٪

با توجه به جدول شماره‌ی ۳، سطح معناداری متغیرهای اندازه‌ی بنگاه اقتصادی صاحبکار، اهرمی بودن، سال مالی، نوع صنعت و سود نقدی صاحبکار با اهمیت بوده و تأثیر مستقیمی بر افزایش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی دارند. همچنین بر طبق انتظار ما نقدینگی صاحبکار (نسبت آنی) با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی رابطه‌ی معکوس و معناداری دارد. اما بر خلاف انتظار، در تجزیه و تحلیل تک متغیره، متغیر زیانده‌ی شرکت، ارتباط معناداری با میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ندارد.

تجزیه و تحلیل چند متغیره

نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

به منظور بررسی وجود ارتباط هم‌خطی چندگانه بین متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول شماره‌ی ۴ ارائه شده است. بیشترین همبستگی بین متغیرهای تولیدی بودن صنعت صاحبکار و نسبت بدهی به دارایی‌ها به میزان ۵۹.۴ درصد دیده می‌شود. اما از آن‌جا که تمامی همبستگی‌ها کوچکتر از ۸۰ درصد است، احتمال وجود هم‌خطی چندگانه که توسط هیل و همکاران (۱۹۸۸) ذکر شده است، منتفی است.

با توجه به آنکه مدل تحلیل کوواریانس^۱ مبتنی بر مفروضاتی چون نرمال بودن و یکنواختی واریانس‌ها، ارتباط خطی بین متغیرهای کنترلی و نیز ارتباط خطی بین متغیرهای کنترلی و وابسته است. بررسی‌های آماری، بیانگر عدم تخطی جدی از مفروضات فوق می‌باشد. جدول شماره‌ی ۵ نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول را نمایش می‌دهد. همان‌طور که در این نگاره مشهود است بر طبق آزمون F مدل معنادار بوده و ضریب تبیین آن برابر ۳۹.۴ درصد است.

متغیرهای کنترلی اندازه‌ی شرکت، سال مالی، سود نقدی و نوع صنعت نیز معنادار هستند و تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در جهت پیش‌بینی شده دارند. گرچه متغیرهای کنترلی نسبت بدهی به دارایی‌ها و نیز زیان‌دهی صاحبکار معنادار هستند، اما علامت آن‌ها برخلاف جهت پیش‌بینی شده است. متغیر نسبت آنی نیز دارای علامتی موافق با علامت پیش‌بینی شده است ولی این متغیر معنادار نیست. متغیر اصلی مدنظر آزمون فرضیه‌ی اول متغیر مصنوعی ترکیبی (FG) حاصل از چهار گروه FG_1 ، FG_2 ، FG_3 و FG_4 است که به اعضای متعلق به هر یک از این مجموعه‌ها، به ترتیب اعداد ۱، ۲، ۳ و ۴ تخصیص یافته است.

جدول ۴. همبستگی پیرسون

شرح	حق الزحمه‌ی حسابرسی	اندازه‌ی شرکت	نسبت بدهی به دارایی‌ها	نسبت آنی	سال مالی	زیان دهی	نسبت سود تقسیمی	تولیدی بودن	جریان‌های نقدی آزاد
حق الزحمه‌ی حسابرسی	۱	.۴۴۳**	.۰۸۱*	-.۰۷۳	.۲۴۱**	-.۰۰۹	.۱۵۹**	.۲۳۴**	-.۰۶۷
اندازه‌ی شرکت	.۴۴۳**	۱	-.۱۹۷**	.۰۱۰	-.۰۳۰	.۰۵۲	.۰۲۷	-.۳۳۳**	.۰۱۳
نسبت بدهی به دارایی‌ها	.۰۸۱*	-.۱۹۷**	۱	-.۱۳۵**	.۱۱۸**	-.۲۵۹**	-.۱۰۰**	.۵۹۴**	-.۳۰۹**
نسبت آنی	-.۰۷۳	.۰۱۰	-.۱۳۵**	۱	-.۰۸۸*	.۰۱۴	.۰۱۵	-.۱۷۹**	.۰۰۴
سال مالی	.۲۴۱**	-.۰۳۰	.۱۱۸**	-.۰۸۸*	۱	.۰۴۳	.۰۴۰	.۳۲۱**	.۰۱۶
زیان دهی	-.۰۰۹	.۰۵۲	-.۲۵۹**	.۰۱۴	.۰۴۳	۱	.۲۴۵**	-.۰۶۰	.۳۵۳**
نسبت سود تقسیمی	.۱۵۹**	.۰۲۷	-.۱۰۰**	.۰۱۵	.۰۴۰	.۲۴۵**	۱	.۰۶۶	.۲۰۴**
تولیدی بودن	.۲۳۴**	-.۳۳۳**	.۵۹۴**	-.۱۷۹**	.۳۲۱**	-.۰۶۰	.۰۶۶	۱	-.۱۱۷**
جریان‌های نقدی آزاد	-.۰۶۷	.۰۱۳	-.۳۰۹**	.۰۰۴	.۰۱۶	.۳۵۳**	.۲۰۴**	-.۱۱۷**	۱

** معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۹٪

* معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که این متغیر رابطه‌ی مثبت اما غیرمعناداری با حق الزحمه‌ی حسابرسی دارد. این نتیجه‌ی عنوان می‌کند که متغیر آزمایشی تحت بررسی ما (جریان‌های نقدی آزاد) که با متغیر رشد ترکیب شده‌اند، عامل تعیین کننده‌ی در حق الزحمه‌ی حسابرسی نمی‌باشد. چهار گروه افزاز شده نیز ارتباط معناداری با حق الزحمه‌ی حسابرسی ندارند. با توجه به نتیجه‌ی آزمون تک متغیره و عدم تفاوت معنادار میانگین حق الزحمه‌ی حسابرسی در تمامی چهار گروه یاد شده، این نتایج دور از انتظار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در ایران جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد در تعیین حق الزحمه‌ی حسابرسی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیستند.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

توان تعیین	تحلیل واریانس		آماره F	ضرایب	علامت پیش‌بینی شده ضرایب	شرح
	سطح معناداری آماره	آماره F				
R ²	۰.۰۰۰	۴۴.۹۵۰				مدل
۳۹.۴			۸.۶۵ ^{***}	.۳۴۴ ^{***}		ضریب ثابت
			۳۱۷.۷۴ ^{***}	.۳۰۸ ^{***}	+	اندازه‌ی شرکت
			۳.۳۷ [*]	-۱.۰۵ [*]	+	نسبت بدهی به دارایی‌ها
			.۰۲۱	۰.۰۰۰	-	نسبت آنی
			۴.۸۹ ^{**}	-۰.۸۳ ^{**}	+	زیان دهی
			۱۶.۸۸ ^{***}	.۰۹۳ ^{***}	+	سال مالی
			۹۷.۸۵ ^{***}	.۴۱۲ ^{***}	+	نوع صنعت
			۱۳.۶۹ ^{***}	.۳۰۱ ^{***}	+	سود نقدی
			.۱۸			FG
			C	C		FG ₁
				.۰۰۹		FG ₂
				.۰۰۱		FG ₃
				.۰۰۱-		FG ₄

** معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪

*** معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۹٪

C: گروه مرجع

* معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۰٪

نتایج آزمون فرضیه‌های دوم و سوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی دوم در جدول شماره‌ی ۶ نمایش یافته است. با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل تک متغیره و معناداری تفاوت میانگین حق الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌هایی که سطوح جریان نقدی آن‌ها متفاوت اما فرصت‌های رشدشان زیاد است، آزمون این فرضیه در گروه‌هایی که از رشد بالایی برخوردارند، انجام شده است. ضریب تعیین مدل برازش شده برابر با ۳۹.۹ درصد می‌باشد. ضرایب و سطح معناداری اغلب متغیرهای کنترلی مشابه با آزمون فرضیه‌ی اول می‌باشند. ضریب هر دو گروه مورد آزمون در این فرضیه، مثبت اما غیرمعنادار می‌باشد که بیانگر عدم تأثیرگذاری میزان جریان وجوه نقد آزاد در حق الزحمه‌ی حسابرسی بوده و نتایج فرضیه‌ی اول را تأیید می‌نماید. در آزمون فرضیه‌ی دوم تأثیر بدهی بر ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد و حق الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌های دارای فرصت رشد بالا مد نظر است. بنابراین

باید به ضریب متغیر مصنوعی گروه ۴ (FG₄) در نسبت بدهی به دارایی‌ها توجه شود. همان طور که مشاهده می‌گردد، برخلاف انتظار ارتباط مثبت و معناداری بین این متغیر و حق الزحمه‌ی حسابرسی وجود دارد. با توجه به معناداری متغیر تعاملی یادشده در گروه چهارم (FG₄ * نسبت بدهی به دارایی‌ها)، می‌توان عنوان نمود که در شرکت‌های با رشد بالا و جریان‌های نقدی آزاد قابل توجه، افزایش میزان بدهی موجب افزایش حق الزحمه‌ی حسابرسی می‌شود اما در شرکت‌هایی با فرصت رشد زیاد و جریان‌های نقدی آزاد کم، بدهی تأثیری بر رابطه‌ی بین جریان‌های نقدی آزاد و میزان حق الزحمه‌ی حسابرسی ندارد. بنابراین برخلاف فرضیه‌ی دوم می‌توان عنوان نمود، گرچه در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد آنها بالا باشد، میانگین حق الزحمه‌ی حسابرسی با توجه به میزان بدهی‌ها تعیین می‌گردد، اما هر چه میزان بدهی‌ها در چنین شرکت‌هایی بالاتر باشد، حق الزحمه‌ی حسابرسی بیشتر خواهد بود.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم

توان تبیین	تحلیل واریانس		آماره F	ضرایب	علامت پیش بینی شده ضرایب	شرح
	سطح معناداری آماره	آماره‌ی F				
R ²						
۳۹.۹	***.۰.۰۰۰	۴۱.۶۹۵				مدل
			۴.۹۷**	.۱۶۲		ضریب ثابت
			۳۲۷.۶۱***	.۳۱***	+	اندازه‌ی شرکت
			۶.۶۲***	-.۲۰***	+	نسبت بدهی به دارایی‌ها
			.۰۱۱	-.۰۰۰	-	نسبت آنی
			۵.۴۳**	-.۰۹**	+	زیان دهی
			۱۵.۲۸***	.۰۹***	+	سال مالی
			۹۶.۲۰***	.۴۱***	+	نوع صنعت
			۱۳.۳۹***	.۲۸***	+	سود نقدی
			.۷۰۵	.۰۵	+	FG ₂ * نسبت بدهی به دارایی‌ها
			۶.۰۸**	.۰۶۸**	-	FG ₄ * نسبت بدهی به دارایی‌ها
			۲.۰۴۰	.۰۶۶		FG ₂
			۶.۱۹۷**	.۱۴۸**		FG ₄

* : معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۰٪ ** : معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ *** : معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۹٪

جدول شماره‌ی ۷، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی سوم را گزارش می‌نماید. در آزمون این فرضیه، اثر سود نقدی بر ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است. به این منظور به متغیر تعاملی گروه ۴ (FG₄) در سود نقدی توجه می‌گردد، تا مشاهده شود که آیا در نتیجه‌ی افزایش سود نقدی به علت کاهش جریان‌های نقدی آزاد مسئله‌ی نمایندگی کاهش یافته و بنابراین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی نیز کاهش می‌یابد. این ضریب منفی است بنابراین سود نقدی موجب تعامل منفی در رابطه‌ی بین جریان‌های نقدی آزاد و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌شود. اما این ضریب در سطح اطمینان ۹۰ درصد نیز معنادار نیست و بنابراین فرضیه‌ی سوم رد می‌گردد و نمی‌توان عنوان نمود که سود تقسیمی موجب تأثیرگذاری بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی از طریق تغییر در میزان جریان‌های نقدی آزاد می‌شود. گرچه عموماً عنوان می‌گردد که بدهی و سود تقسیمی از جمله روش‌هایی هستند که شرکت‌ها به منظور ایجاد محدودیت بر جریان‌های نقدی آزاد به کار می‌برند اما طبق نتایج این تحقیق، این دو روش در کاهش مسئله‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد در ایران مؤثر نیست.

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم

توان تیین	تحلیل واریانس		آماره F	ضرایب	علامت پیش بینی شده ضرایب	شرح
	سطح معناداری آماره	آماره F				
۳۹.۶	***.۰۰۰	۱۴۰.۴۱.				مدل
			۸.۹۰***	۰.۳۶***		ضریب ثابت
			۳۱۶.۲۷***	۰.۳۱***	+	اندازه‌ی شرکت
			۳.۱۳*	-۰.۱۰*	+	نسبت بدهی به دارایی‌ها
			۰.۰۲	-۰.۰۰	-	نسبت آتی
			۴.۹۵**	-۰.۰۹**	+	زیان دهی
			۱۶.۲۷***	۰.۰۹***	+	سال مالی
			۹۵.۸۲***	۰.۴۱***	+	نوع صنعت
			۹.۷۶***	۰.۵۶***	+	نسبت سود تقسیمی
			۱.۳۵	-۰.۲۹۸	+	FG ₂ * نسبت سود نقدی
			۲.۳۹	-۰.۱۰۵	-	FG ₄ * نسبت سود نقدی
			۰.۵۷۳	-۰.۰۲۳		FG ₂
			۰.۲۷۱	-۰.۰۲۱		FG ₄

***: معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۹٪ **: معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ *: معنادار در سطح اطمینان بیش از ۹۰٪

نتیجه گیری

این پژوهش مسئله‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد و فرصت‌های رشد که منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی گردیده؛ را مورد بررسی قرار می‌دهد. ما به نتایج ضعیفی در تأیید تئوری جریان‌های نقدی آزاد دست یافتیم. برخلاف نتایج تحقیق گریفین و همکاران (۲۰۱۰)، ژول (۱۹۹۸) و توسی (۲۰۰۱) دریافتیم که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای سطوح متفاوتی از جریان‌های نقدی آزاد هستند اما میزان فرصت‌های رشد پایینی دارند؛ تفاوت معناداری ندارد، یکی از دلایل احتمالی چنین نتیجه‌ای آن است که عملیات حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای فرصت‌های رشد اندکی هستند؛ از گردش کمتر و متعاقباً از حجم عملیات حسابرسی پایین‌تری برخوردارند؛ در نتیجه حق‌الزحمه‌ی پایین‌تری نیز توسط حسابرسان مطالبه می‌گردد. همچنین ممکن است رویه‌های راهبری شرکتی و کنترلی موجود در شرکت‌هایی که دارای جریان‌های نقدی بالا و فرصت‌های رشد اندک هستند؛ موجب شود تا حسابرسان، برآورد پائینی از ریسک و احتمال سوء استفاده را داشته باشند؛ از دیدگاه آن‌ها، حجم عملیات حسابرسی تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین شرکت‌های با فرصت‌های رشد اندک اما جریان‌های نقدی آزاد متفاوت، نخواهند داشت؛ در نتیجه حق‌الزحمه‌ی دو گروه شرکت‌های یاد شده نیز تفاوت معناداری ندارد. نتایج این پژوهش هم‌سو با نتایج تحقیقات یاد شده، بیان می‌کند؛ حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌هایی که جریان‌های نقدی آزاد آن‌ها بالا و فرصت‌های رشد آن‌ها زیاد می‌باشد، بالاتر از سایر شرکت‌هایی است که جریان‌های نقدی آزاد آن‌ها پایین اما فرصت‌های رشد آن‌ها بالا است. چنین نتیجه‌ای ممکن است از احتمال بالاتر دست‌کاری صورت‌های مالی این شرکت‌ها نشأت گرفته باشد، همچنین این یافته ممکن است بیان‌گر این امر باشد که در شرکت‌های با فرصت‌های رشد و جریان‌های نقدی آزاد بالا، نوعی عدم شفافیت در مورد رفتار سرمایه‌گذاری مدیر در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی مثبت وجود دارد که با پیچیدگی اندازه‌گیری چنین پروژه‌های مثبتی همراه می‌گردد.

برخلاف نتایج حاصل از آزمون گریفین و همکارانش، نتایج این آزمون بیان می‌کند که بدهی تأثیر معنادار اما مثبتی بر ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد بالا و فرصت‌های رشد زیاد دارد. بدین معنا که بدهی باعث افزایش حق‌الزحمه‌ی مورد نظر حسابرس در این گروه از شرکت‌ها می‌شود. در توجیه این نتایج می‌توان عنوان نمود؛ نسبت بدهی، بیان‌گر نوع دیگری از رابطه‌ی نمایندگی به دلیل تأمین مالی حاصل از استقراض است. افزایش در نسبت بدهی به علت تأکید بر رابطه نمایندگی بین مدیریت و

اعتباردهندگان احتمالاً تقاضا برای خدمات حسابرسی و در نتیجه حق‌الزحمه‌ی این خدمات را افزایش می‌دهد. به علاوه نتایج این تحقیق، همسو با تحقیق گریفین و همکارانش بیان می‌کند که افزایش میزان سود تقسیمی باعث کاهش مسئله‌ی نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد نمی‌گردد، می‌دانیم که پرداخت‌های سود نقدی نسبت به بازپرداخت بدهی از انعطاف‌پذیری بالاتری برخوردار است، به علاوه عموماً مدیران تعهد قراردادی برای پرداخت سود نقدی به سهامداران ندارند، بنابراین به نظر می‌رسد سود نقدی مکانیسم مناسبی در کنترل جریان‌های نقدی آزاد نبوده و تأثیری بر کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ندارد. لازم به یادآوری است که نتایج فرضیه‌ی سوم همسو با نتایج تحقیق فخاری و یوسفعلی تبار در بررسی رابطه‌ی بین سیاست تقسیم سود و حاکمیت شرکتی است که عنوان می‌کند، رابطه معکوس معناداری بین شاخص حاکمیت شرکتی و تقسیم سود وجود دارد.

محدودیت‌های تحقیق

در این تحقیق به دلیل عدم دسترسی به داده‌های مربوط به حق‌الزحمه ناشی از خدمات غیر حسابرسی، اثر این متغیر که بر طبق نتایج تحقیقات پیشین به عنوان یک عامل اثرگذار بر حق‌الزحمه‌ی خدمات حسابرسی است، نادیده گرفته شده است. به علاوه به دلیل استخراج حق‌الزحمه‌ی خدمات حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی ممکن است حق‌الزحمه‌ی یاد شده برابر با جمع خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی باشد. این موضوع می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد.

پیشنهاد تحقیقات آتی

در این تحقیق به ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی از منظر عرضه‌ی خدمات حسابرسی مستقل توجه گردیده است اما با توجه به نتایج کسب شده پیشنهاد می‌گردد؛ محققان آتی این ارتباط را از ابعاد دیگری مانند ابعاد ذیل بسنجند:

- افزایش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی به دلیل تقاضای سهامداران برای افزایش کیفیت خدمات حسابرسی در نتیجه‌ی وجود هزینه‌های نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی؛
- افزایش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی به علت مطالبه‌ی حق‌الزحمه‌ی بیشتر توسط حسابرسان به دلیل آگاهی از وجود جریان‌های نقدی آزاد بالا در شرکت.
- همچنین لازم است تحقیقات آتی به ارتباط بین سمت تقاضای خدمات حسابرسی و نقش وسیع حسابرسی به عنوان مکانیسم کنترلی و راهبری شرکتی در حل مسائل

نماینده‌گی فارغ از منشاء ایجاد آن (جریان‌های نقدی آزاد، فرصت‌های رشد اندک و ...)
بپردازند.

اعتبار تحقیق

به منظور بررسی اعتبار سازه به ضریب تعیین (R^2) ناشی از برازش مدل توجه می‌شود. با توجه به سطح متوسط ضریب تعیین هر دو فرضیه مورد آزمون، به نظر می‌رسد در مدل تحت برازش، ابزار سنجش مناسبی مورد استفاده قرار گرفته است. اعتبار درونی تحقیق، تابعی از میزان کنترل متغیرهای مداخله‌گر می‌باشد. در این تحقیق با توجه به کاربرد دامنه‌ی وسیعی از متغیرهای مداخله‌گر، این عوامل تا حد زیادی کنترل شده‌اند. اعتبار بیرونی تحقیق به میزان تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق به گروه وسیع‌تری از آزمودنی‌ها می‌پردازد. هر چه نمونه معرف بهتری از جامعه باشد، قابلیت تعمیم نتایج افزایش خواهد یافت. با توجه به گستردگی نمونه‌ی تحقیق، قابلیت تعمیم نتایج این پژوهش وجود دارد.

منابع

۱. احمد پور، احمد، محمد کاشانی پور، محمد رضا شجاعی. بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری بر هزینه تأمین مالی از طریق بدهی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷ شماره ۶۲ پاییز، ۱۳۸۹، صص: ۱۷-۳۲.
۲. رجیبی روح اله، حمزه محمدی خشوئی. هزینه‌های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابداری مستقل. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۸۷، صص. ۵۲-۳۳.
۳. سجادی، سید حسین، مهدی ابراهیمی مند، عوامل افزایشدهنده استقلال حسابرس مستقل، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۴
۴. علوی طبری سیدحسین. رابطه بین مخارج صرف شده برای حسابداری داخلی با حق‌الزحمه‌ی حسابرس مستقل. رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۳۸۲.
۵. فخاری حسین، یوسفعلی تبار نصیبیه. بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود و حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۲، زمستان ۱۳۸۹، از صفحه ۶۹ تا ۸۴.

۶. نو نهال نهر، علی‌اکبر، سعید جبار زاده کنگر لویی، یعقوب پور کریم. عوامل افزایشنده استقلال حسابرسان مستقل. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷ شماره ۶۱، پاییز، ۱۳۸۹، صص ۵۵-۷۰.
۷. واندواوالاس. ۱۹۸۵. نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت. مترجم حامی امیر اصلانی. نشریه ۱۵۹ سازمان حسابرسی، ص. ۱۶.
8. Barclay, M., and W. Smith, Jr. *The maturity structure of corporate debt*, Journal of Finance.1995; 50; 609-632.
9. Chung, R., M. Firth, and J. Kim. *Earnings management, surplus free cash flow, and external monitoring*, Journal of Business Research; 2005; 58; 766-776.
10. Davis, L.R., D.N. Ricchiute, and G. Trompeter. *Audit effort, audit fees, and the provision of nonaudit services to audit clients*. The Accounting Review; 1993; 68 (1): 135-150.
11. Gul A. Ferdinand, Tsui Judi, Chen Charles. *Agency Cost and Auditing Pricing*. Working paper.2003.
12. Griffin Paul, Lont David, Sun Yuan. *Agency Problems and Audit Fees Further Tests of the Free Cash Flow Hypothesis*. Accounting & Finance; 2010 ;Volume 50, Issue 2, pages 321-350.
13. Hope Ole-Kristian, Longhli John, Thomas Wayne. *Agency Conflicts and Auditing in Private Firms*. Working paper.2010.
14. Jaggi, B., and F. Gul. *Evidence of accruals management: A test of the free cash flow and debt monitoring hypotheses*. Working paper (The State University of New Jersey, Newark, NJ).2005.
15. Jensen, M. *Agency costs of FCF, corporate finance, and takeovers*. The American Economic Review; 1968; 76, 323-329.
16. Myers, S. *Determinants of corporate borrowing*. Journal o Financial Economics;1977; 5, 147-175
17. Tsui Judy, Gul A. Ferdinand, (1998). *A test of the free cash flow and debt monitoring hypotheses: Evidence from audit pricing*. Journal of Accounting and Economics;1998; 24 (1998) 219-237

18. Tsui, J., Jaggi, B., and Gul, F. *CEO Domination, Growth Opportunities, and Their Impact on Audit Fees*. Journal of Accounting, Auditing and Finance; 2001; 16, 189-208.
19. Whisenant, S., S. Sankaraguruswamy, and K. Raghunandan. *Evidence on the joint determination of audit and non-audit fees*. Journal of Accounting Research; 2003; 41 (4): 721744.